

# انسان و حیوان

هر فرهنگی درباره حیوانات به صورت متفاوتی می‌اندیشد و آنها را به روش‌هایی رده‌بندی می‌کند که بتواند ارتباطات امکان‌پذیر موجود بین انسان و انواع حیواناتی که در محیط فیزیکی و سمبولیک او با وی مشارکت دارند بیان کند. علی‌رغم متفاوت بودن روش‌های رده‌بندی در دوره‌ها و محیط‌های مختلف این رده‌بندی‌ها معمولاً به جدا کردن انواع بر اساس اختلاف‌های موجود (و یا همسانی‌های داخل گروهی) به انسان، خدایان، گیاهان، جمادات و ارواح منجر شده‌اند.

بطور کلی علوم طبیعی از دیگر شاخه‌های موجود و شناخته شده دانش متفاوت نیست و مانند آنها در اثر فرآیندی مداوم یعنی تفکر ادراکی رشد می‌کند. در نتیجه در قرن نوزدهم لازم دانسته شد که جهت تمیز دادن نباتات از حیوانات و برای جایگزین کردن موجوداتی که قرار دادن آنها در رده‌بندی مشکل بود، مرحله‌ای میانی یا طبقه‌ای رابط یعنی آغازیان یا تک‌یاخته‌ای‌ها (Protists) - که بعدها باکتری‌ها از آن جدا شده و به گروه دیگری یعنی پروکاریوت‌ها (Prokaryotes) ملحق گردیدند - بوجود آید. اثبات وجوه اختلاف در رده‌بندی انسان‌ها و حیوانات نیز کاری تقریباً به همان اندازه مشکل است. یکی از اساتید بنام ژاک گویمارد (Jaques Goimard)، این مساله را به صورت زیر خلاصه کرده است: «حتی جدیدترین نحوه تفکر علمی، علی‌رغم آنچه که بنظر می‌رسد، تلاش خود را در تعریف کردن خاصه‌های ایجادکننده اختلاف بین حیوانات و گیاهان، و مهم‌تر از همه «انسان»، کنار نگذاشته است. حیوان را ممکن است به عنوان غیر انسان تعریف کرد، ولی همه تلاش‌ها برای حل این مساله رضایت‌بخش نبوده است: هیچ‌یک از معیارهای پیشنهاد شده به جز احتمالاً قامت ایستاده که کم‌اهمیت‌ترین خاصه متافیزیکی است... قابل قبول نیست...». اختلاف انسان و حیوانات اساساً فرهنگی و شاید متافیزیکی است نه بیولوژیکی. مردم‌شناس فرانسوی، کلود لوی استروس خاطر نشان کرده است که «سرخ‌پوستان نساواهو که خود را از «بزرگترین رده‌بندها» می‌دانند، موجودات زنده را بنا بر اینکه دارای قوه ناطقه هستند یا نه، به دو رده تقسیم می‌کنند: موجودات غیر ناطق، گیاهان و حیوانات را شامل می‌شوند».

پس از تعریف مرزها، می‌توان وابستگی‌ها را ایجاد کرد و ارتباطات را آغاز نمود.

► تصویر زنی در حال گردآوری عسل که از یک نقاشی (متعلق به حدود ۱۰/۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد) در غار آرانزا نزدیک بیکورپ، والانسیا در اسپانیا بازسازی شده است. هنر نقر سنگ اولین آثار مربوط به واکنش‌های انسان را نسبت به دنیای حیوانات به دست می‌دهد.



Foto Archivio Cronoz © Atephot, Paris

## مارک اولیویه گونست

بسیاری از الهه‌های مصر قدیم به شکل حیوانات بودند. یکی از قدیمی‌ترین آنان «خدای آسمان» یا «هوروس شاهین» بوده است که در این کنده کاری بر دیوارهای معبد کالاشا در نوبه (شمال افریقا) دیده می‌شود. قوچ، گاو نر، میمون و گربه نیز از حیوانات مقدس مصر باستان بوده‌اند.

### شمینیس و ماوراء طبیعی

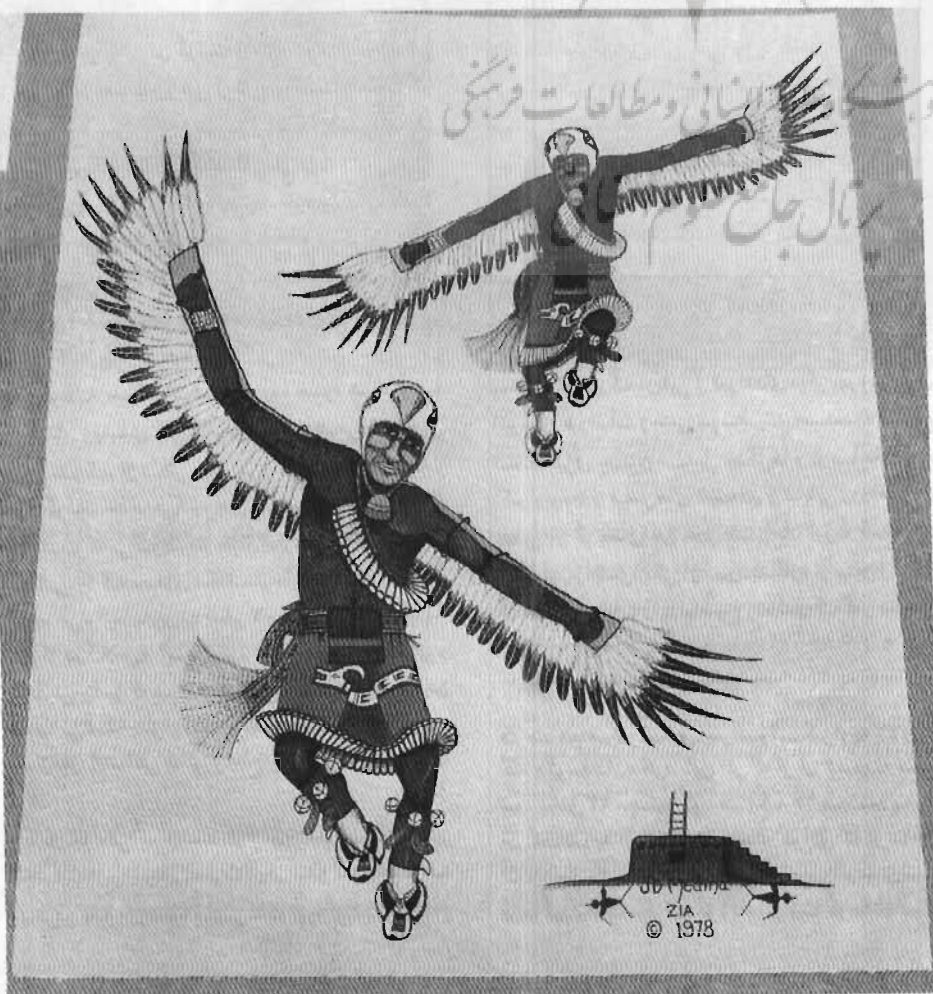
شاید ژرف‌ترین ارتباط ممکن میان ذهن انسان و دنیای حیوانات را بتوان در شمینیس یافت که در آن حیوانات گاه نقش پیام‌آور و رابط پیدا می‌کنند. اما نوبل دزوو، مردم‌شناس، شرح داده است که چگونه سرخ‌پوستان ساکن منطقه دریاچه بیگ‌تروت کانادا کودک را هنگام بلوغ به نقطه دوردستی برده در نوک درختی بر سکونی که سرخ‌پوستان آنرا به آتشیانه عقاب تشبیه می‌کنند مستقر می‌سازند. نوجوان در آنجا چند روزی روزه گرفته، به توهمات فرو می‌رود که وی را قادر می‌سازد با موجودات مافوق طبیعی (اوپاواکانوک)، که بر طبق اعتقادات آنان به دنیای ارواح تعلق دارند ارتباط برقرار کند؛ این موجودات مافوق طبیعی در نزد ما همان حیوانات حقیقی یا افسانه‌ای و ماوراء طبیعی هستند که جنگل‌ها را در تسخیر خود دارند. پس از این مراسم پاک‌گشائی (initiation) نوجوان در برابر گونه‌های مختلف حیوانات روحی مختص به خود و آکنده از تشریفات خاص در پیش می‌گیرد که شامل تابوهای خوراکی و گفتاری، و تشریفات حاکم بر نحوه رفتار با گوشت و استخوان حیوانات پس از خوردن آنهاست.

در این تشریفات سرخ‌پوستان نوع ارتباطی را که می‌بایست در سراسر زندگی خود با دنیای حیوانات داشته باشند مشخص می‌کنند. آنها در جریان زندگی نیز ارتباطات دیگری برقرار می‌کنند به طوری که با گذشت ایام قدرت دریافتی آنان از منابع ماوراء طبیعی مرتباً افزایش می‌یابد. زمانی که آنها پیر می‌شوند و دیگر از عهده شکار بر نمی‌آیند، قدرت و نقش خاص خویش را از طریق مراسم دیگری به نام «کوساپاشیکان» یا «مشاهده از دوردست» اعمال می‌کنند. آنها در این مراسم «اوپاواکانوک»های خود را به داخل پناهگاهی نیمکره‌ای شکل فرامی‌خوانند و آنها را مأمور انجام کارهایی خاص می‌کنند. این «بیک فرآیند روانی است که برای همه افراد

Foto © FAO, Roma

Foto © Roget vicilet, Paris

صحنه‌ای از یک نقاشی دیواری در مرکز فرهنگی سرخ‌پوستان هویی در آلبرگرگ، نیومکزیکو (آمریکا)، که در سال ۱۹۷۸ توسط هنرمند سرخ‌پوست ج. د. مدینا کشیده شده است.



▶ این دماغه چوبی قایق که از پیکره‌های حیوانات پوشانیده شده، به دست هنرمندی از اهالی دوآلدو کامرون تراشیده شده است.

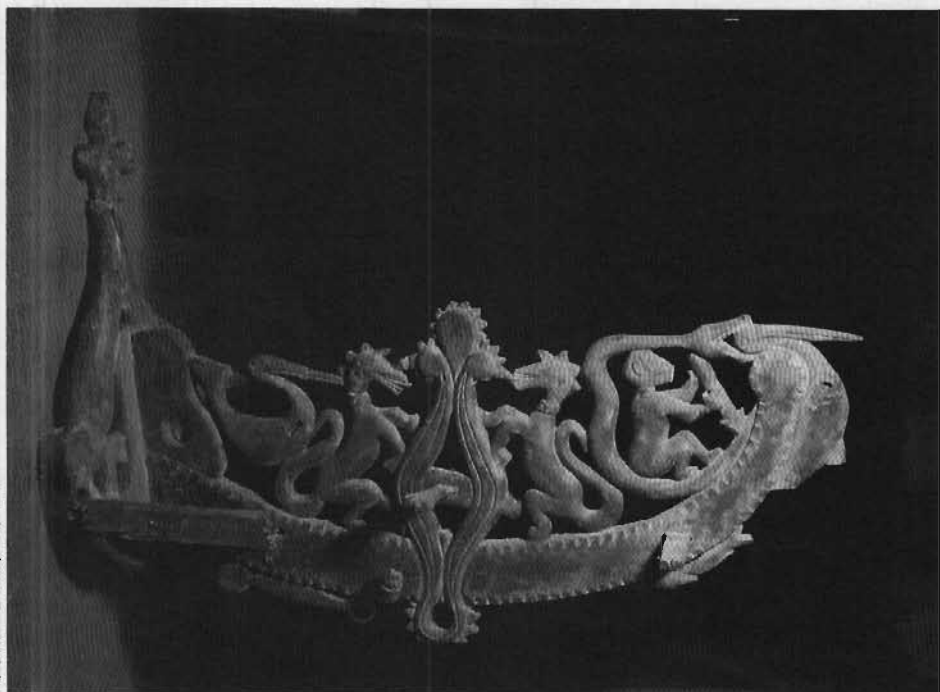


Foto Held © Anephot, Paris

▶ این مجسمه برنزی که بلیکانی را در حال غذا دادن به جوجه‌هایش نشان می‌دهد، وزنه‌ای تزئینی است که توسط فلزکاری از اهالی بانول از کشور ساحل عاج ساخته شده است. زمانی از این وزنه برای توزین پودر و تکه‌های طلا استفاده می‌شده است. صنعت‌کاران آفریقای غربی چنین وزنه‌هایی را که به شکل حیوانات بودند و با صحنه‌هایی از زندگی آنان را نشان می‌داد، متداول کردند. هر یک از این وزنه‌ها معادل یکی از واحدهای قدیمی وزن بر مبنای وزن دانه‌های گیاهان خاص بود و برای نشان دادن ضرب‌المثلی و یا انتقال پیامی ساخته می‌شد.

امری عادی است» و از اولین الهام‌تادوران کهولت ادامه پیدا می‌کند. «در این معنی می‌توان گفت که شمنیسم... در همه فعالیت‌ها، در هر لحظه از زندگی سرخ‌بوستان نفوذ دارد. اوپاواکانوک، یا در اصل ارواح حیوانات، محمول‌هایی هستند که شمن‌ها از طریق آنها کارهای خارق‌العاده خود را در هر زمان و مکانی انجام می‌دهند.»

### حلال و حرام

گوشت خوک که در جوامع مسلمان و یهود خوردن آن کاملاً ممنوع است، موردی است که اهمیت زیربنای فرهنگی و هویت جوامع انسانی را در رده‌بندی نشان می‌دهد.

خوردن یا نخوردن گوشت برخی حیوانات در بعضی از جوامع از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. شخصی که انتخاب نوع حیوان، نوع خوردن و انجام مراسم خاص آن را رعایت نکند اغلب بیگانه تلقی می‌شود.

ماری دوگلاس در کتاب معروف خود خلوص و خطر دستورات غذایی صادر شده در سفر تثبیه و سفر لاویان را مورد بررسی قرار داده می‌نویسد «بطور کلی اصول زیربنایی حلال گوشت بودن حیوانی، در این است که آن حیوان کاملاً در رده خود جای گرفته باشد. حیوانات حرام گوشت، حیوانات ناقص رده خود هستند و یا گروهشان رده‌بندی کلی عالم وجود را برهم می‌زند.» بدین طریق خوک، از نظر سنن عبری از گروه حیوانات حلال گوشت حذف می‌شود چون برهم‌زننده این قانون کلی است که می‌گوید: «از میان حیوانات گوشت‌هر حیوانی را که سه‌های شکاف‌دار دارد و نشخوارکننده است، می‌توانید بخورید» (سفر لاویان، باب یازدهم، به نقل از دوگلاس). این دستور شتر، خرسک کوهی و خرگوش را نیز که سم ندارند از بین حیوانات قابل خوردن حذف می‌کند. برای بیان اهمیت مقولات فکری در رفتارهای اجتماعی مثالی واضح‌تر از این نمی‌توان پیدا کرد.

در جوامعی که گوشت خوک زیاد مصرف می‌شود نیز محدودیت‌هایی برای مصرف آن در نظر گرفته شده که مهمترین دلیل آن نحوه شمنزکننده تهیه گوشت خوک و

همه‌چیز خواری، نجاست‌خواری و اصولاً برداشت ضمنی از کیف بودن این حیوان است.

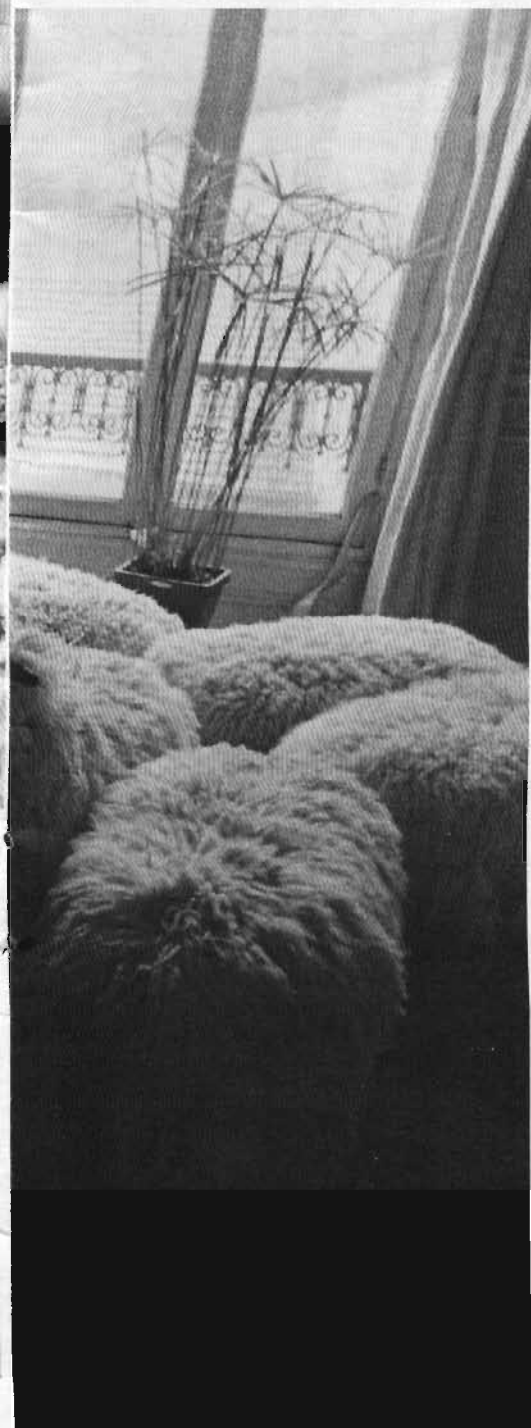
### حیوان‌خواران و حیوان‌دوستان

متأسفانه فقط صنعت تهیه گوشت خوک نیست که گاه‌بگاه ایجاد نگرانی می‌کند. نحوه نگهداری حیوانات دیگر برای تولید انبوه مواد غذایی نیز اکثراً ناراحت‌کننده است و در مقایسه با نحوه نگهداری حیوانات خانگی که گاهی توجهی فزون از حد بآنان می‌شود، کاملاً متفاوت است.

موضوع دیگر، مصرف پروتئین حیوانی است که تهیه آن از نظر صرف انرژی فوق‌العاده پرهزینه است. برای تهیه یک کیلوگرم پروتئین حیوانی بین ۵ تا ۲۰ کیلوگرم پروتئین گیاهی لازم است. میزان مصرف پروتئین حیوانی در نقاط مختلف دنیا متفاوت است. اکثریت مردم دنیا یا گوشت نمی‌خورند و یا فقط در اعیاد و تعطیلات گوشت می‌خورند، اما برای عده‌ی قلیل هر روز عید است. انتخاب حیوانات گوشت‌خوار به عنوان حیوانات دست‌آموز نیز به مصرف زیاد از حد گوشت بازهم می‌افزاید.

شکار و پرورش حیوانات برای پوست آنها، صید پستانداران بزرگ دریایی و نمونه‌های دیگر بهره‌برداری انبوه از حیوانات وحشی توسط بشر «مستمدن» نتایج اسف‌انگیزی چون تبدیل جنگل‌ها و دریاچه‌ها به آکواریوم‌ها و قفس‌های شیشه‌ای و نیایی روزافزون بعضی از گونه‌های این حیوانات به‌بار آورده است. فیلیپ راجر، یکی از نویسندگان، از بین رفتن گونه‌های حیوانات را با موضوع رده‌بندی که «در دهه‌های

Foto Bruno Barbey © Magnum, Paris



▶ هنرمند معاصر فرانسوی، فرانسوا - گزواو به لالان با گله «گوسفندان» خود، این اثر که از آن ۶ نمونه تهیه شد، شامل ۲۴ مجسمه گوسفند (که ۱۶ مجسمه بدون سر هستند) به اندازه طبیعی است. موادی که در ساخت آن به کار رفته است ورقه‌های مس، آلومینیوم، قالب‌گیری شده، چوب، فولاد و پوست گوسفند است.

می‌شوند، به مخاطره انداختن خود و آزمایش قدرت را دستاویز قرار می‌دهند. این انواع امروزه آنچنان در معرض خطر قرار گرفته‌اند که مقرراتی شدید و شاید تا حدی غیر قابل اجراء جهت محافظت آنها وضع شده است.

ارتباط بین اقوامی که زندگی خود را از طریق شکار و گردآوری آذوقه می‌گذرانند با حیوانات معمولاً از نوع دیگری است (یا بوده است). اماتورئل دزوو شرح می‌دهد که چگونه تا قبل از آمدن مسیونرهای مذهبی بر هر یک از سرخپوستان دریاچه بیگ‌تروت، نام یکی از حیوانات گذارده می‌شد و در نتیجه این روش ارتباطی مستحکم بین صید و صیاد آینده برقرار می‌شد و اولین شکار نیز با مراسمی خاص همراه بود.

مقررات مذکور در فوق هنوز با مرحله پذیرش جهانی خیلی فاصله دارند. مؤسسات و افراد مختلف در مذاکرات مربوط به حفاظت حیوانات شرکت کرده‌اند و این سؤال که مرزهای انسانیت کجاست مجدداً مطرح شده است. از حقوق‌دانان نیز خواسته شده عقاید خود را درباره حقوق حیوانات ارائه دهند و برای حفاظت حیوانات قوانینی تدوین کرده، مشخص کنند که کدام حیوانات و تا چه حد

حد فاصل بین نظریات داروین و فروید باعث نابودی حیوانیت شده است» مربوط دانسته است. راجر به شخصیت مقدس همه حیوانات به عنوان ویژگی غالب، در عصر باستان، اشاره کرده اظهار نظر می‌کند که این ویژگی ممکن است با مسیحیت تقویت شده باشد. او خاطر نشان می‌سازد که رسالات مربوط به حیوانات تا قرون وسطی، هنوز هم بر عجیب بودن حیوانات تأکید دارد و تا قرن هجدهم، تا دوره بوفون - طبیعی‌دان فرانسوی - که «تفاوت بنیادی دو عالم را» با بیان این که «انسان از گونه‌ای دیگر است که به تنهایی در رده‌ی مجزا جای دارد» مورد تأکید قرار داد، حیوانیت را در این رسالات به صورتی «متشعشع» می‌توان مشاهده کرد.

### شکار بی‌رویه

بدون شک هر گونه بختی در باب نابودی حیوانات، به موضوع صید و عواقب آن منجر می‌شود. حیواناتی که پوست، خز و یا عاج آنها گرانها است، بدون ترحم و به صورتی نظام یافته در بعضی از نقاط جهان شکار می‌شوند. گروه‌هایی که به صورت نیروهای متشکل به این حیوانات حمله می‌کنند و باعث کشتار بی‌رویه آنها



Foto Heid © Anephot. Paris



«میکی موس» حیوان انسان‌نما، یکی از معروف‌ترین شخصیت‌های نقاشی متحرک است که توسط والت دیزنی فیلم‌ساز آمریکایی (۱۹۶۶-۱۹۰۱) خلق شد. او با فیلمی بنام *Steamboat Willie*، اولین نقاشی متحرک ناطق، در سال ۱۹۲۸ به دنیای سینما وارد شد و بعدها در بیش از یکصد فیلم کوتاه از او استفاده شد. در سمت راست یک پیکره مکانیکی میکی موس در یکی از رژه‌های واشنگتن دیده می‌شود.

درباره گونه‌هایی از حیوانات که با انسان مشابهتی دارند، (تشابه بیولوژیکی در مورد پستانداران و شباهت قیاسی در مورد حشرات اجتماعی) صدق کند ولی هر قدر از انسان بیشتر فاصله گرفته شود امکان این جابه‌جایی کمتر می‌شود.

در بسیاری از موارد، آزمایش کردن بر حیوانات به همان مشکلات جابه‌جایی بر خورد می‌کند، چون انسان تنها خو کچه آزمایشگاهی است که می‌توان داروهای ساخته شده برای هموعانش را با اطمینان بر او آزمایش کرد. فقط یک میدان وجود دارد که در آن حیواناتی که از آنها به عنوان حیوانات وحشی و یا حتی درنده یاد می‌شود هنوز قدری استقلال دارند و آن میدان تخلیلات شخصی و یا گروهی انسان‌ها و دستان‌هایی است که حیوانات در آنها ظاهر می‌شوند: گرگ‌ها، ببراها و کفتارها با عجیب‌الخلقه‌ها و هیولاهای تخیلی ما، یعنی ازدها، قنطورس، انسان‌های گرگ‌نما، حیوانات انسان‌نما و دیگر موجودات عجیب‌الخلقه به هم می‌آمیزند تا دامنه تخیل انسانیت ما را معلوم کنند.

شاید ما قدرت احساس «فاصله مناسب» بین خود و گونه‌های حیوانات را از دست داده‌ایم. فاصله‌ای که می‌تواند ما را بدون نشان دادن حساسیت زیاده از حد و یا ظلم کردن به حیوانات با آنها مرتبط سازد، و در عین حال می‌تواند قوه خلاقه علائم و نشان‌های رمزی ما را تحریک کند. آیا با نزدیک شدن بیش از حد به گونه‌هایی خاص از حیوانات، با بهره‌برداری ننگین از گونه‌هایی دیگر و با طرد کردن حیواناتی که بسختی می‌توان آنها را در کپسول‌های ضد عفونی شده‌ای که در آن زندگی می‌کنیم پذیرفت، می‌توانیم با مسائل خطرناک موجود در ذهن خود و در مقیاسی وسیع‌تر در دنیا مقابله کنیم؟

مقاله فوق از کتاب *حیوانات و بشر* که از طرف موزه مردم‌شناسی نوساتل در سویس به عنوان تفسیری بر نمایشگاه بر پا شده در موزه تحت همین عنوان در سال ۱۹۸۷، انتشار یافت اقتباس شده است. در سی سال اخیر موزه مردم‌شناسی نوساتل معروفیتی برای نمایشگاه‌های ابداعی خود کسب کرده است. از سال ۱۹۸۱ این موزه یک سری نمایشگاه‌های برجسته در جهت برانگیختن افکار درباره نسی بودن فرهنگ از طریق در هم آمیختن غیر منتظره مصنوعات فرهنگ‌های متفاوت بر پا کرده است.

مارک اولیویه گونست (Gonseth) مردم‌شناس سویسی، از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ از کارکنان انستیتوی مردم‌شناسی نوساتل بوده است. وی در حال حاضر مشغول پژوهش در میان مردم ایفوکاگو (Ifugao) در فیلیپین است.



Foto Patrick Ward © ANA, Paris

که زندگی یک جنکلی است. هر انسان گرگی است برای انسانی دیگر، قوی ضعیف را نابود می‌کند و وزن تحت سلطه مرد است و غیره.

در اینجا مجدداً با مسایل تعیین حدود روبرو می‌شویم. کولت گیلوم می‌گوید، «اگر طبیعت حیوانی مشترک، هر وقت که لازم باشد، ساختن گرگ، میمون یا باقرقره اسکاتلندی از انسان را امکان‌پذیر می‌سازد، کوششی به عمل نیامده است تا گرگ را از دید باقرقره و یا میمون را از دید گرگ بیان کند. این موضوع حداقل یک چیز را فاش می‌کند و آن اینکه علم رفتارشناسی حیوانات، در ارائه توضیحات راجع به حیوان، انسان را بیان می‌کند. آنچه که مورد نظر است انسان است، نه رفتار اجتماعی حیوان. حیوان وسیله‌ای برای پنهان کردن و سرپوشی برای موجه جلوه دادن انسان است... اگر چه به صورتی ناقص. علی‌رغم ظاهرمان ما از دنیای لافوتن و ازوب زیاد دور نشده‌ایم، چون قدرت نداریم که «احساساتمان» را در قالب انسان مجسم نکنیم و دنیا را از «مردمی» که دارای مشخصات اخلاقی حاصل از روابطمان با یکدیگر هستند، بر نکنیم» به نظر می‌رسد این گفته مخصوصاً

باید محافظت شوند و چگونه باید افراد بشر را به احترام گزاردن به اقدامات مربوط به حفاظت از حیوانات تشویق و یا مجبور کرد.

### تجسمات انسان - حیوانی

مجسم کردن صفات انسان در حیوانات و بالعکس باعث پیدایش دو روش تفکر شده است. یکی از آنها روشی است که والت دیزنی و دیگر آفرینندگان حیوانات نقاشی متحرک به کار برده‌اند. دیدگاه‌ها، قدرت استدلال، صفات ویژه، ناراحتی‌ها و افکار این حیوانات بی‌تردید انسانی هستند. نسبت دادن صفات انسانی به حیوانات در سطحی این چنین وسیع چه بسا باعث در هم ریختگی افزون‌تر افکار ما نسبت به ارتباط بین انسان و حیوان شده است. شهرنشینی و صنعتی شدن کشاورزی ارتباط بین انسان و حیوانات را بهم ریخته و چهره‌ی کاملاً متفاوت از حیوان ترسیم کرده است.

از روش معکوس این تجسم، یعنی نسبت دادن صفات حیوان به انسان، در رفتارشناسی علمی و عمومی حیوانات غالباً به نادرستی استفاده شده و مثلاً گفته شده